

گشته دست کعبه برادر میان حبیب خودش گرفته بود همان عت دو نفر فرانش محمد الملک رسیده  
 هر دو را بجزو معزنی البه آوردند چون کعبه بر سر باز بود به پای بسته شد تنبیه نظامی کردید (از جمله  
 غریب نوشته اند شخصی باغی در کبود را بنک که از قرا مجال آمدت داشت زنبورهای بسیار اکثر  
 باغ او را میخوردند و ضایع میکردند یکروز باغ رفته خیلی ازین زنبور مارا کشته بود فردای آن روز  
 هم بهین اراده باز رفته بود که زنبور کجند بخص رسیدن زنبور زرد بسیار کوچکی از لانه در آمده و او را  
 زیرین مشارالیه رایش زده فوراً پلاک شد) (دیگر نوشته اند عالیه عبا سقیاخان سر کرده سواد  
 پشاکر که حسب الامر اولیای دولت علیه نامور قرا سوران و نظم طرق و شوارع کردید و باسی سواران  
 سمت گروس و کردستان وارد کردید و بعد از چند روز توقف سمت زنجان روانه کردید  
 (یک نفر پاره دوزش هفت تومان قرض داشته و قادر بر ادای دین نبوده و طلب کاران نیز  
 شد و میگردد بسته آمد اسم الفار خورد و خود را پلاک کرده است اخبار دول خارج از قرا  
 روزنامه بطرز لوبغ در ممالک روسیه سابقا مجالس قومپایند در امر زراعت دایرید اصول قانون  
 قدیم آن دولت در باب زراعت کاران که حکم عبید ملوک داشتند مجری میکردید در این اوقات  
 که اعلیحضرت امپراطور روسیه قانون قدیم را برسم زده و زراعت کاران را بمقام ارادی در آورده  
 مجالس مذکوره نیز برپا کردیم شده موقوف گردید بجهت امر زراعت که بعد ازین بجهت نوع از جانب دولت  
 ملاحظه آن بشود و اصول جاریه سایر دول در آن ولایت در باب زراعت جاری بشود بکن نظر از  
 و کلای دولت روس با چند نفر از سایر امرامور برلین پای تحت دولت پرستیده شده اند که تحقیق  
 قانون آن دولت را در امور زراعت نموده در ممالک روسیه مجری دارند) (دیگر نوشته اند  
 ملت یهود که در ممالک روس می باشند از زمان امپراطوری قدیم تا این ایام هیچ امتیاز از دولت با آنها داده  
 نمی شد با اذن اینکه تجارت و زراعت با آنها بکنند بچنانی که بازر داد و ستد کسوده میشد خصت مذکوره  
 بروند و در هر جا هم که ساکن بودند در حق آنها انواع مظالم و تعدیات بطهور می آمد اعلیحضرت امپراطور روسیه  
 از وقتی که تحت امپراطوری جلوس کرده اند با قضای رافت خود بملت مزبور نیز امتیازات داده  
 و علاوه بر این در هر جای ممالک مزبوره که بخواهند توکل نمایند داخل بر صنف از اصناف هم  
 که خواسته باشند بشوند با آنها اذن و خصت

۲۷۴۲

داده شده است

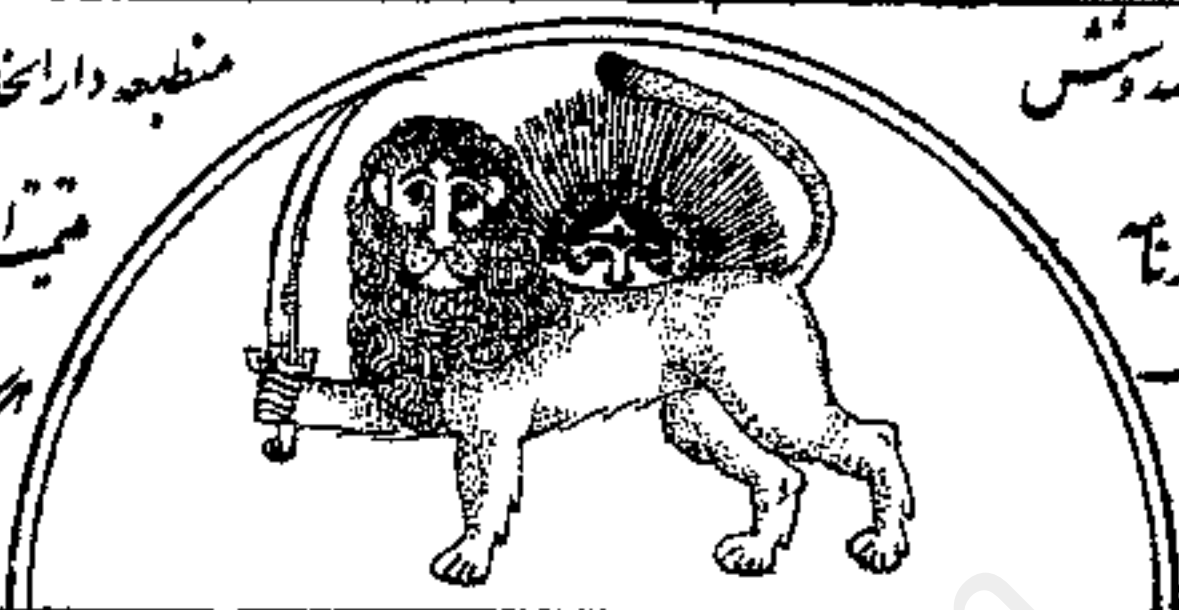
# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم چهارم شهر ربيع الثانی مطابق کونستانتینوپول

نزه چهارصد و شصت

منطبعه دارالخلافه طهران

میت روزنامه  
برنجده

میت اعلانات  
هر طرزه



## اخبار واحداث مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در این اوقات بجهت ملائمت و خوبی هوا و اقصای موسم شکار خاطر اعلیحضرت اقدس ملوک  
 شاهنشاهی ابدالعیشیه و ایدالتجیبیه بعضی روزها مایل شکار و تفریح شکارگاههای دشت و کوهسایه  
 و بطوریکه سرباز و سواره و مکار چنان حسب الامر اقدس از چند فرسخ انواع شکارها را هر جمعی  
 از طرف خود پیش کرده و بکارگاه میرانند بعد از آنکه هر که غنیمت گشت اعلیحضرت شاهنشاهی توجیه  
 به تیراندازی و شکار میفرمایند و بعد از آن سایر چاکران موکب تاپون و تیراندازان قابل شکاری  
 چنانچه چند یوم قبل بنفس مقدس و شکار زده بودند در روز یکشنبه گذشته نیز که تشریف فرمای شکارگاه  
 سمت کن شدند در آنجا نیز شکار کرده فرموده و خود بدست مبارک تیراندازی نموده شکار زدند و بعد از  
 شکار و تفریح با کمال خرمی و انبساط خاطر و بذل نفود انعام بلبترین رکاب حضرت فرجام معادوت  
 مبه تسلط عظمی فرمودند (فوج چهارم تبریزی جمعی مقرب الخاقان علیخان سرتیب که اخص  
 رکاب تاپون شده بودند وارد دارالخلافه گشته در غره شهر ربيع الثانی و رسیدن ارک مبارک که صفت  
 نظامی بسته و سرکار اعلیحضرت اقدس تاپون ایدالتجیبیه تشریف فرمای میدان ارک شده آغا  
 و افراد فوج مزبور را که با کمال شکوه و آراستگی بودند ملاحظه فرمودند مقرب الخاقان علیخان سپه  
 قرین عاطفت ملوکانه که معنی انعام بفرج ابوالجهمی ادرمت فرمودند و همچنین فوج نهاد ابوالجهمی  
 عالیجاه محمدتسرا حاجی حسن خان سرمنگ نیز در همان روز از سان حضور مبارک گذشته معنی انعام

۲۷۴۳

با نام حضرت شد (مقرب الخاقان سید علیخان سرتیپ که از قدیمی خان زادان دولت علی است  
 سرتیپی فوج فیروز کوهی و حکومت آنجا را بشا را لیه رحمت فرمودند و خلعت هم بشا را لیه رحمت کرد  
 سواره ها و اوبد جمعاً عالیجاه محمد فتحان احضار کباب هایون شده بودند در روز چهارشنبه در میدان  
 ارک مبارک امیر الامراء العظام نظام اللجه والا حشام سپه سالار سان آنها را دیده در کمال ارادتگی بودند  
 ( دو فوج خرقان و خلیج قم که نامور حمل و نقل اسباب و ادوات کارخانه ریسان بافی بودند خدمت محوله  
 خود را با انجام رسانیده و انعام در حق آنها رحمت شد مرخص خانه کردند ) ( توپخان دزبزرگیان  
 و سواره نظام و افواج قاهره قریب رکاب هایون همه روزه مشغول مشق میباشند و عموم صاحب مضبان  
 در مشق حاضر گشته کمال مراقبت را در تعلیم قواعد نظامی دارند و امیر الامراء العظام نظام اللجه والا حشام  
 سپه سالار بفرموده ان مشق رفته سرکشی افواج را می نمایند ) ( چون مقرب الخاقان اجودان با  
 کمال مواظبت را در امور محوله بخود داشته و خاطر مبارک از حسن خدمات او همواره راضی و خوشنود  
 علی بن اکتوب بکلی تره از غلبوس بن مبارک با خلعت رحمت فرمودند ) ( نظر بر ایشا لیسکی و راستگی  
 مقرب الخاقان میرزا شفیع شیرازی در این اوقات منصب نایب استیفا سرافراز و اکتوب بجهت تره در  
 منصب مزبور با خلعت رحمت گردید و فرودین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور ولایت  
 قزوین انظام است و نواب والا عبدالصمد میرزا حکمران ولایت هر روز بعد از فراغت از درس مشق  
 در دیوانخانه نشسته بعبایض مردم رسیدگی مینماید و مقرب الخاقان حاج حسنعلیخان پیشکار در  
 امور ولایت و انجام خدمات و مهمات دیوانی کمال اهتمام را بعمل می آورد امور شهر و محلات از باب  
 کزنده و مستحفظ بسیار مضبوط است و سمرقند و شرارت بندرت اتفاق می افتد و از که خدا بان  
 محلات التزام گرفته شده است که هر روزه از جزئی و کلی هر امری که اتفاق بیفتد روزنامه کرده بنظر  
 مقرب الخاقان بشا را لیه رسانند و اگر کسی مرتکب شرب و شرارت شده باشد مورد تنبیه  
 ) ( دیگر نوشته اند که مسجد جامع کبیر قزوین که چند سال بود خرابی کلی بهم رسانده بود مقرب الخاقان  
 حاج حسنعلیخان اهتمام زیاد در تعمیر و آبادی آنجا دارد و دو سال است که هر سال آنجا تعمیر شود و از خود  
 هم خواهی بجهت صرف تعمیر مسجد مزبور داده و امانی ولایت نیز از تجار محترمین هر یک فراخور حال تحوا  
 داده و میدهند جنبی از خرابیهای مسجد تعمیر شده و باقی نیز غرقیب در کمال خوبی تعمیر خواهد شد

و همچنین در شهر مشهور مدینه حاجی آقاسی که چند سال بود خراب و از حلیه آبادی عاری شده طلاب  
 آنجا متفرق شده بودند مقرّب انخافان مشارالیه درین دو ساله سالی دوست تومان بجهت صرف  
 تعمیر در سه بعابینا حاجی سید انور تراب که از حلیه علمای انولایت است داده و آنجا را تعمیر  
 می کنند که دایر شده طلاب در آنجا مشغول تحصیل شوند (دیگر نوشته اند چون در دیانت خالصه  
 قزوین امسال مثل پارسال و سنوّه قبل محصول بعضی نیامده و بسبب شدت برف و سرما محصول آنجا  
 سوخته بود لهذا قبل از چیدن و درویدن محصول چند نفر از عمال و مجتهدین ولایت مأمور گردیدند که فتنه  
 و دعات خالصه را در بده باز دید کرده صورت آنرا بیاد رند که در قرار و مدار با رعیت خالصه ظلم و تعدی  
 شود بعد از مراجعت آنها از هر یک از دعات خالصه که خدایان در پیش سفیدان آمده برضا و رغبت خود  
 قرار در امر زراعت داده و مفاطمه نمودند) (دیگر نوشته اند که شوارح واجب سواره چکنی را این  
 اوقات از محالی که حواله شده است دریافت کرده و با اطلاع عالیجاه خان بابا خان پسر سلیم خان سرگذر  
 سواره چکنی و عالیشان فرج الله یک غلام تلیم آنها شود اغلب جوانان پر داخته شده باقی مانده را  
 نیز در کار وصول و ایصال مسپنا و همچنین غله قراسورا آنها را با اطلاع غلامی که از دیوان اعلی مأمور است  
 عاید ساخته و اتهام زیاد در نظم طرق و شوارع بعضی آمده و از قراسورا آنها هر یک باسم و رسم  
 التزام گرفته شده که محافظت طرق و شوارع را بطوری بکنند که مال کسی بسرت اگر برسد از عمده برآید  
 و آنها هم بر حسب التزام کمال مجارست را بعضی می آورند و از اوقات دیگر هیچ وجه دردی در راهها  
 اتفاق نیفتاده و عابرین و مترقدین در کمال استواری آمد و رفت می کنند که مانشان  
 از قراریکه در روزنامه کرمان <sup>نوشته</sup> امور انولایت و سرحدات آنجا در کمال استقامت و امور طرق  
 و شوارع مضبوط است روز و قواضی در امنیت و رفاه عبور و مرور می نمایند و مستحفظ و حرازل  
 در هر یک از منازل مشغول حفظ و حراست بوده روز و راسا لایمنازل می رساند و امور شهر و محلات  
 نیز منظم است و خلاف بی از کسی ناشی و صادر نمی شود) (فرج نکند که احضار در بار جایوتی شده بود  
 نواب و الاعاود لکن حکمران کرمانشان و سرحدات عراقین آنها را بکرمانشان خوان خواسته و یکی با  
 صاحب مضبان حاضر شده با اطلاع سکرانویسان در کار تدارک و پرداختن مواجب آنها بوده اند  
 که بعد از گرفتن مواجب روانه در دیوان شوند

۲۷۲۵

اصفهان از فرار که در روزنامه این ولایت نوشته اند امور آنجا از حسن مراقبت امیرالاعظم  
عیسی خان والی حکمران دار السلطنه اصفهان قریب است و در آسودگی و رفاه حال رعایا و نظام  
خدمات دیوانی خصوصاً انفا و قسط مالیات بهر باره مدلت مدار لوازم اهتمام را و در این اوقات  
که قسط مالیات را روانه دربار عالیون داشته بود نظر بوقوع حرم ملوکانه و کمال رضایت خاطر مبارک  
از خدمات معزی الیه بکثرت کجوا از طبوسات خاص بدن مبارک رحمت فرموده بودند با آنجا که بر تو  
وصول افکنده بود و امیرالامراء العظام معزی الیه با جمیع اعیان و ارکان ولایت و چاکران دیوانی  
سباغ خوشخانه رفته و لوازم توقیر و استقبال و احترام خلف معرطلت را بطن آورده در آنجا رین برود  
مفاخرت و مبالغت نموده صرف شربت و شیرینی و ادای خطبه و غیره لعل آمد مضمون طغوفه فرمان  
عظمت شان را که از مصدر سلطنت عظمی شرف صدور یافته بود گوشه خاص عام کرده بهر جهت  
(فوج سرسبزی که چندی حسب الامر امور خلوی اصفهان بودند در این اوقات که موجب حکم آمدن  
علی مرتضی اوطان و اماکن خود بودند آنچه از خبره و مواجیب ایام توقف آنها باقی مانده بود از قرار تعیین  
و تشخیص لشکر نویان عظام بدون کسر و نقصان عاید آنها شده روانه اوطان خود شدند) (فوج  
و اکوژلوی جهانی ابوالحسین عالیجاه امان الله خان سرسبزی که عوض فوج سرسبزی بسا خلوی اصفهان  
مأمور بودند در بیست و هفتم ماه صفر المنظر وارد شده در میدان نقش جهان منزل نمودند و موافق  
نظام و ماموریت خودشان در دربار خانه و فراول خانها و اماکن ضروره مستحقی و قوادلی مشغول شدند  
و روز و روز آنها خود امیرالامراء العظام والی با عالیجاه میرزا کوچک لشکر نویان بیدان مقرر آمدند و  
انها بدو وقت رسیدگی نمودند و خبره آنها را از فراتر دستور العمل مقرر داشتند همه روز عاید آنها  
مانند و با کمال نظم و حسن سلوک مشغول قوادلی و انجام خدمات محو که بجز و پیشین) (دیگر نوشته اند که  
که در اوایل شهر ربیع الاول فرمان عالیون که در باب معافی زجران از مردم و بعضی فقرات دیگر که  
موجب آسودگی رعایا و برابری است شرف صدور یافته بود با آنجا بر تو وصول افکنده در روز جمعه در مسجد  
جامع اصفهان که جمیع علما و سادات و اعیان و مشرف و سایر رعایا و تجار کسبه و صنف جمع بودند  
در بالای منبر خوانده مضمون عطف مشغول ازرا گوش زد و در نزدیک نموده جمیع مردم از صمیم  
صدا بدعای و انت اقدس عالیون ملتذ کردند

۲۷۲۶

### اجبار و دل خارچه

از قرار که در روزنامه فرانس نوشته بودند شخصی از نجیبی شهر پاریس شبی از خانه خود نصیاف  
 بجائی رفته بود و وقت مراجعت بر در ساری خود شخص پتیه دوری را دیده بود که از غایت مستی از  
 خود بیخبر افتاده چند آنکه سعی نمود که او را بهوش بیاورد و در می بخشید همچنان مست افتاده بود و محض خنده  
 بنوکران خود گفت او را برده در اطاعتی که خوابگاه خود او بود بر بالای تخت خوابانیدند چون صبح شد  
 و پتیه دوز از خواب مستی سر بر آورد خود را بر فرار تخی و مکانی چنان عالی یافت در حیرت شد تا گاه  
 جمعی از نوکران دید که بالباسهای فاخره باطاق او در آمده گفتند سرکار پرنس چه میفرمایید چه رنگ  
 لباس سبزه پوشیدن شما بیاوریم کدام یک از کالکها را بجهت سواری شما حاضر کنیم بجهت پتیه دور  
 بیشتر شده در اندیشه شد که من کی پرنس بودم نوکران برابر ام خود افزوده ناچار گفت فلان قبا و  
 سلوار را بیاورید فوراً آن لباس را حاضر کردند چون لباس پوشیدند گفتند بنهار حاضر است و او را  
 بسفره خانه بیکو بردند و دید میز در کمال آسستگی و انواع اغذیه و اشربه در آن قیام دیده شد  
 کمال استهنا غذا و شراب صرف کرده بعد کالک حاضر کردند سوار شد در میان چهار باغها  
 بگردش رفته بعد از آنکه چهار ساعت تمام مشغول بود بهانخانه مراجعت نموده محض در روزنامه  
 آن روز فرانس را در میان قوه سینی نقره گذارده زردوی بردند بعد از مطالعه روزنامه باز بر سر  
 شام حاضر شده چون غذا صرف کرد سیکاری زردوی حاضر کردند از او زیر لب گرفته اندکی بر  
 بالای نیمکتند و اعصاب کرده پس قوه حاضر نمودند چون قوه نیز خورد نوکران عرض کردند اگر کالک  
 پرنس تنها خانه تشریف می برند وقت است در تمام خانه سلطانی جای گرفته ایم اندر یکبار مشتم  
 و درفش خود را فراموش کرده چنان پنداشت که همیشه پرنس بوده و خواهد بود بهر یک از نجیبی خود  
 دست برد و ملو از پول یافت با بجهت تمام خانه رفته بعد از آنکه که در آنجا قرار یافت و اندر طرف یاد  
 تمام نمود و وزن خوش منظر بجز او در آمده پس از انواع عشو و ولفیری و انقضای تمام خانه آن  
 دوزن از وی خواست رفتن یکی از همانها را کرده هر دوزن را بکالک خود نشاندند و با بجهت مشغول  
 عیش گشتند و پرنس انقدر شراب نوشید که از مستی در زیر میز میخاطب تا اینکه مستی وی را در برود پس  
 آن شخص نجیب بدان صحیح در آمده گفت او را از آن لباسهای عاریه برهنه کرده رختهای خود او را باو

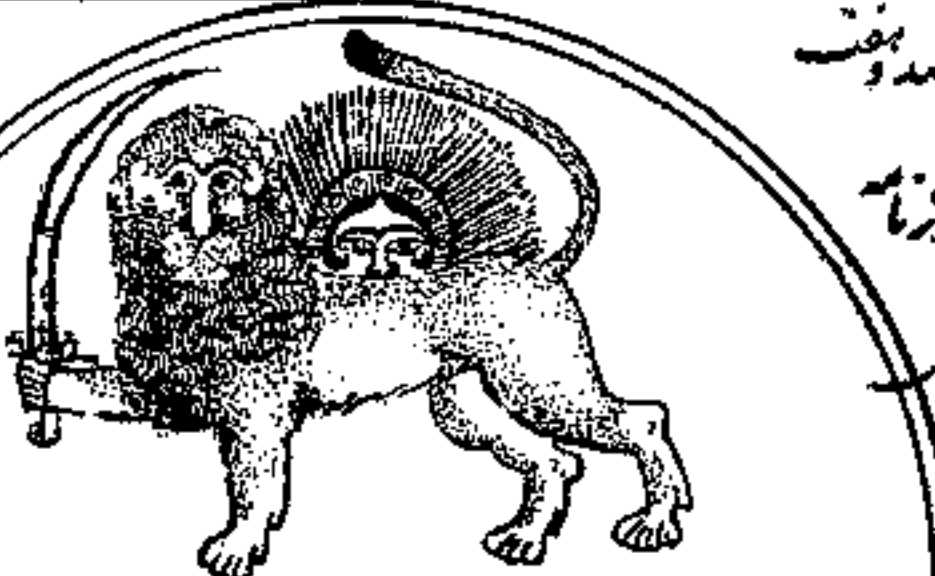
۲۷۲۷

پوشانیده و برده بر در سر ایچانی که شب گذشته ازستی افتاده بود خوابانیدند چون صبح شد و پرس  
ازستی بهوش آمد خود را همان پلینه دور یافت حیرت بر حیرتش افزوده با کمال افسوس راه خانه خود  
گرفت و آن سخن را بازن خود در میان نهاد چون زن از وی آن سخن شنید او را زده از خانه بیرون  
کرد و گفت برو بهمان جا که دیشب پرش بودی ( ترجمه معاهده تجاری که مابین چین و جمهوری یکنی دنیا  
شده است از اینقره نوشته اند که جمهوری یکنی دنیا با دولت چین بدین طریق صلح کرده اند که اگر مابین چین  
با دولت دیگر رودنی حاصل شود جمهوری رالیه توسط خواهد کرد و این معاهده در مالک چین اعلان  
خواهد شد ایلمچی مجتهد یکنی دنیا با وزیر دولت چین که در یکنی پای تخت چین مقیم است با تذاکرات خود  
کرد و ایلمچی در نورسالی یک دفعه بجانب چین عزیمت خواهد کرد و در صورتی که زیاده از نسبت نفر همراه داشته  
باشد هر قدر سخواه اقامت مستیواند بکند و اگر وقایع از دولتی دیگر سفیری در صورت امکان  
در چین اقامت نماید از جانب جمهوری رالیه نیز در آن وقت سفیری با اقامت دائمی مأمور خواهد  
و بعد ازین نامحالی که از طرفین نوشته میشود بدون القاب نباید باشد و با توفیرات لازم از طرفین باید  
نوشته و سفیری که از طرف جمهوری فرستاده میشود با قاضیهای چین مستیواند برود و در حق او حرمت  
و رعایت لازم اجرا خواهد شد و ضابطان عسکری یکنی دنیا با ضابطان عسکری چین در چین ایجاب صورت  
ملاقات خواهند کرد و ابل یکنی دنیا در چین خانه اجاره خواهند نمود و از جانب اهل چین مانعت درین  
باب نخواهد شد و بجهت مالی خارج سوای بیخ بندر که الان مفتوح است دو بندر دیگر مفتوح خواهد کرد  
و مبادله این عهدنامه در مدت یکسال با تمام خواهد رسید ( دیگر نوشته اند که نظر له بود و مگر کورتا  
کنون مابین دولت چین و یکنی دنیا هیچ مناسبتی مغانا و تحیر نشده و ضابطان عسکری یکنی دنیا  
از طرف مالی چین حبسلی بد معالکی ظهور یافته و این که ارزش با اهل یکنی دنیا بسیار گران آمده این ملاحظ  
نامه صیغه رامیتوان گفت که مابین عهدنامه تازه رفع کرده باشند) (تقریریکه در روزنامه های  
سابق نوشته شده سیم تلفراف که از انگلیس به یکنی دنیا بکشیدند و پاره شد و بمشکلات بسیار آخو کشیدند  
یکمذ روز بروقی مطلوب مخابره شده موخر هر طور بوده است بقوه الکترقه او غل راه یافته شارجه و ف  
بصورت این یعنی که بجهت تحقیق و تجسس اینکه سبب اصلی این تلفراف چه شده است دو نفر مهندس و چند نفر  
مأمور از انگلیس با نجا فرستاده اند

۲۷۴۸



# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمیسیه یازدهم شهر ربیع الثانی مطابق سال یوتیسی

منطقه دارالخلافه طهران		مرد چهارصد و هفت
قیمت اعلانات		هفت روزنامه
هر خط شش		هر نسخه شش

## اخبار واحداثیات محروسه پادشاهی

**دارالخلافه طهران**  
 نظر محسن رفتار و سبک پرداختن اموریتی که از جناب فرخ خان امین الملک در پایه سربرآه سبک اعلیٰ تحقیق و وضوح پیوسته مدح و توصیفی که در روزنامه های خارج از محاسن اطوار و مراتب و نظایر او درج کرده بودند خدمات او در حضرت سپهر سلطنت شاهنشاهی خداوند متعالک و سلطانه فوق العاده موقع قبول و استحسان و در موقع مبارکاه جهان پناه بیشتر از پیشتر محل و ثوق و اطمینان گرفتند چنانچه در روزنامه هفتگانه گذشته پیرایه تجلیل و اعزاز و توقیر و امتیاز جناب مشارالیه اثبات رفت جمعی از معتبرین چاکران دربارهایون و دولیت نرسوازه نظام با معتمد و سرکرده فرستاده بالباسهای رسمی با استقبال و نامور گردیده و از جانب مستقبلین لوازم توقیر و احترام لعل آمد و سوار نظام نظامی کشید و احترامات نظامیه لعل آوردند و سفرای دول متحابه که متوقف استمان هایون میباشند بمیل و رغبت خاطر در استقبال جناب رالیه حاضر شدند و لوازم تبریک و تهنیت بجا آوردند و جناب سنی ایوان شامانه چندر سس یک از اصطبس هایون با اسب مخصوص یراق مرصع ممتاز که در مراکب مخصوصه وجود فایض الحودا علیحضرت ظل اللی خلد اللی تعالی ایام دوله استعمال میشود برای مریدم در حق جناب رالیه با استقبال فرستاده شد بعد از شرفیابی و تعظیم عتبه علیه خسر وانه مورد محرم کونایکو و بیعتات مخصوصه مقهور و مقرون گردیده یکدور و روزه از طرف قرین اشرف شامانه حضرت کرامت شد که در خانه خود از رنج سفر بسیار بد در بدن دور و زجیم معارف و اعیان و وجوه و اشرف بدین اوجها شدند و از جانب سنی ایوان اقدس ملوکانه مجموعه شیرینی در ظروف و ادانی نقره بافتار جناب مشارالیه عنایت گردید بعد از انقضای دو روز هفتم روزه بحضور در ظهور هایون شرفیاب شد

۲۷۲۹



در کلیات امور دولتی شرف مشا و زده خدیوانه سرفراز باشد عرایض او در حضرت گردون زینت  
 بقبول رسیده و افکار او در پیشگاه خاطر ملوکوتی مناظره صدق و پسندیده و هر روزه بطور کرمی  
 مخصوصه قرین سرفرازی و مباهات میشود این روزها محض برای اظهار کنونات انفات و در تمام  
 شاهنشاهی صان الله دوله عن التناهی یک قطعه کل کر که مرصع بجواهر گرانها و از ترکیب با قوت و الماس  
 مشرق الموز و الیه است بانضمام یکثوب جبهه ترمه کشمیری عا شیده و از زنجیره و در در حق جناب الیه  
 مرحمت و عنایت گردید خداوند تعالی و تقدس ظلال مرآه و نوال اعلی حضرت شاهنشاهی و جناب  
 معارف جهان بیان مستدام و هدیه و شوکت جاوید آیت را بر بند فرماید (جناب فضایل آیت شاهنشاهی  
 مجتهد دام فضل که از جمله علما و فضیای دارالمرز و این روزها وارد آستان بایون شده بود در جناب  
 حضور اقدس علی شده مورد مرآه ملوکانه گردید این روزها که حضرت انصاف حاصل نمود با عطای یکثوب  
 عباسی ترمه قرین مباهات آمد) (نظر بطور خدمات مقرب انخافان میرزا ابوالحسن خان مشیر الملک این  
 مورد مرآه حسروانه شده با عطای یکثوب جبهه ترمه قرین سرفرازی و مباهات گردید) (چون رای جهان  
 اقدس بایون شاهنشاهی خداوند که سلطانه که منظر عدل و انصاف و اشفاق و اعطاف نسبت به عموم  
 رعایا و بر ایست متعلق بر این شده که دیوانخانه های عدلیه در هر یک از ممالک محروسه برقرار و امور دعا  
 مردم بی بداهه از روی انصاف و عدالت گذشته رفع تعدی و اجحاف از میان آحاد انکس شود  
 ریاست دیوانخانه اعظم پادشاهی را چنانچه در ذیل روزنامهجات دیگر نوشته شده بعد کفایت امیرالک  
 معتمد الدوله العلیه و اکبار فرمودند که بحسن کفایت و درایت امور دیوانخانه مبارکه را عظیم بار داد  
 بدیوانخانه های عدلیه و ولایات هر یک امینی از چاکران قابل دولت جاوید آیت نبی است خود بفرستند  
 دستور العلی بجهه دیوان بیکان این که معین می شوند و استحضار حکام ولایات و امنای شریع مطاع  
 امیر الامراء العظام مشا را الیه نوشته و بنظر اقدس بایون رسانده تسلیم دیوان بیکان گشته و ولایات  
 خواهند فرستاد بطریق فهرست در این روزنامه از فضول سی کانه کتا بچه مرزبوره اطلاع و آگاهی تمامی  
 ممالک محروسه مندرج میگرد و (فصل اول) در مواهت دیوان بیکان با حکام است امری که منافی است  
 حکومت باشد از آنجا ناشی شود (۴) رعایت جانب علمای اعلام و امنای شریع و فضلا و ارباب علم  
 اصحاب فضل و احترام ایشان (۳) مراقبت دیوان بیکان در سلوک و رفتار با عموم اصناف و امانی و امانت

ع  
 ۲۷۵۰

(۶) مواظبت حفظ مراتب نوکران دیوان اعلیٰ (۵) دیوان بیگین در معاملات که زیاده از بیست سال باشد داخل نمایند مگر در سه فقره یکی معاملات ملکی دویم معاملات مدعی آن در خارج بوده و دست رس نداشتیم معامله که ظلم آن شیاع رسیده باشد (۶) دیوان یکی عرض و طمع و بداندیه را بجای کنبا رکبذارد (۷) احکام خبریه را دیوان یکی از خود حکم میتواند بدو و احکام کلیه را کلاً بدیوانخانه مبارکه عدلیه اعظم درین روزنامه که چاپ رسمی دودفعه بدیوانخانه عدلیه اعظم عرض خواهند کرد نوشته شود تا حکم صادر گردد (۸) دیوان یکی هر ولایتی روزنامه معاملات را بدون کم و زیاد ماهه بدیوانخانه اعظم پادشاهی نماید (۹) احکامی که از دیوانخانه بزرگ صادر میشود دیوان یکی انولایت در اجرای آن اهتمام نماید (۱۰) احکام صادره اگر شرعی است بجهت جامع التشریط رجوع کند و اگر عرفی است بجاوست حاکم ولایت که بین الامری است باستصواب حکام شرع و عرف (۱۱) بعد از حضور مدعی و مدعی علیه از طرفین التزام گرفته شود که حاکم شرعی را معین نمایند که حکم او مرضی طرفین باشد (۱۲) محصلین دیوانخانه احابرد او باش باشند بلکه مردمان این مقول باشند (۱۳) دفتر معتبر در دیوانخانه ترتیب بدهند که یوما فیواد عادی و احکام صادره در ادبیت بشود و ثبت کلی رسالی بکیده بدیوانخانه عدلیه اعظم فرستند (۱۴) در دیوانخانه سواد مستند معتبر نباشد بلکه اصل معتبر بدانند (۱۵) با وجود تیره شدن حضور مدعی و مدعی علیه و کلماتین نکنند بلکه خود حاضر شوند مگر محترمین که جایز است وکیل نفرستند (۱۶) نوکر و غلامی که از دیوانخانه مأمور احقاق حقی میشود زیاده از ده یک مطالبه نکند (۱۷) غلام و نوکری که باید در دیوانخانه مشغول انجام خدمت باشد از نوکرهای دیوانی باشند (۱۸) در کارهای التفافیه نظام و افواج قاهره و توپخانه هرگاه صبا مناسب آنها در آن ولایت باشند رجوع بانها نمایند (۱۹) اموری که مربوط بدول خارج است اگر از جانب وزارت امور خارجه وکیل و کفیتی در انولایت باشد رجوع باو نمایند و الا بدیوانخانه اعظم پادشاهی معروض دارند (۲۰) در باب پنهان دیوانی و داد و ستدی که متعلق بدیوان است رجوع بحاکم انولایت باشد و هرگاه بی اعتدالی بین باشد و حاکم بر رفع کند دیوان یکی در روزنامه بدیوانخانه بزرگ اطلاع بدو (۲۱) در باب معاملات هرگاه کتر از بیست سال باشد در صورتیکه مدعی علیه قدرت ادای تمزین تجاری دفع نداشت باشد و محقق شود مدعی بهان اصل انکفا نماید (۲۲) هرگاه ملکی بیع شرط شده و بحکم شرعی لزوم یافته دیوان یکی نوعی نماید که ملک تصرف مالک در اید و مالک از عهد اصل و فرع نخواه براید

۲۷۵۱

(۲۳) در صورتیکه ملک بیع شرعی کمتر از وجه استراضی باشد و صاحب بخواه عارض شود و دیوان  
 در وصول بخواه او اتمام نماید (۲۴) از تاریخ ورود دیوان یکی هر ولایتی بعبوم االی اجناس  
 که مستندات خود را براه االی شرح رسانده بدیوانخانه بیاورند و ثبت کنند (۲۵) عموم جن و مکرو  
 خدع از قبیل بیه کردن املاک قبل از بیع شرط با اولاد و اقارب و طوریه و غیره در جمیع دیوانها  
 موقوف و متروک باشد (۲۶) احکامی که در غیاب مدعی بدون حضور طرفین صادر شده باشد  
 در دیوانخانه معتبر ندانند (۲۷) شخصی اگر مدیون باشد خواه تاجر یا غیر تاجر و اموال او کفایت  
 قروض نماید بقانون شرح الوزر فرمائید (۲۸) اشخاصی که بابت میر و ند چون بستان داران و  
 در سایر ممالک نیز بستان موقوف باشد مگر اماکن مشرفه که سابقا در فرمان مبارک مندرج و مشخص شده  
 (۲۹) در باب منفعت بخواه حکم کلیه ترین تجارتی است که عبارت از تومانی یکصد وینار باشد مگر نه  
 مدتی و مدتی علیه زیاده از تریز تجارتی شرعاً و آری داده باشند (۳۰) در اجزاء دیوانخانه ولایات  
 دیوان یکی از قرار تفصیل عله جات باید داشته باشد و دیوان یکی مندرج در روزنامه پیش در این اعلام  
 (۳۱) چون کمترین ضمیر غیر اقدس جل اللی مزید حرمت در حق چاکران قدیم این دولت قیوم است لهذا مقتوب الخاقان  
 میرزا رضای مهندس باشی مستوفی نظام تفریح فرمان مناصب مشایخی که از شایسته مبرور داشت که عبارت  
 از مستوفی نظام و تحقیق شنای دولت علیه و ثبت ضبط کتابچه است موشح بدستخط هایون فرموده و  
 در مناصب خود استقلال داده بگنوب جبه ترمه لاککی در حق او خلعت مرحمت فرمودند (در روز  
 شنبه گذشته بقانون هر ساله اعلیحضرت اقدس هایون غزمت تفریح و تماشای میدان اسب دیوان  
 فرموده قبل از ورود و موبک هایون عمارت میدان فر لور ارکیش داده و چادرهای پوشش متعدد  
 برای سفر آدمورین دول متخاطبه زده بودند بعد از حرکت موبک هایون شینگ زنبورک در اول حرکت و وسط  
 راه و ورود و بعد آن پس از ورود و لغارت میدان اسبهای صیقل خاصه و سبهای سایر چاکران در بار  
 هایون را که دست و دسته حور کرده و ضربای و جهانگامی را در بالای بیه قبا که اسشته بودند چاکب سوار  
 شروع بتاختن نمودند اسبهای سرکار اقدس هایون و مقربتی الخاقان عین الملک و در پسر الملک که در روز  
 پیش آمدند چاکب سواران آنها و جوه النعامی را برداشته و نظر بفرم هم ملوکانه در حق نواب و  
 میرزا و  
 میرا حور گنوب کلچر ترمه لطانه خراز ملوس بدن مبارک با و حرمت فرموده بهان ترتیب معا و در تفریح عطف نمودند

۲۷۵۲

### اخبار دول خارجی

از قرار روزنامه خبر بدیه الحوادث اسلامبول در اواسط ماه محرم در سیروز که از ایالت استانبول  
 ترکی از جو زبزرگتر آمد و جنسی آدم و حیوان تلف خانهای بسیار منهدم نموده است و بعد از آن در ششم  
 صفر نیز بمب و چهار ساعت لایقطع دوران حوالی باران باریده و سیل در آنجا راه افتاد و  
 یک راه را در جوار سیروز که بعد رسی خانه بوده است آب سیل فرو گرفته بعضی خانهها را منهدم  
 و جنسی حیوان و دو نفر آدم تلف کرده است (دیگر نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور فرانس  
 که چند وقت در مالک غربی فرانس کرده شد میگردند در این اوقات با ریس معاودت نموده  
 (دیگر نوشته اند که در جزایر تحت حکومت فرانسه تاکنون از هر چیزی که داخل آنولایت میشد  
 رسومات که در یافت میکردند در این اوقات از جانب دولت فرانسه رسومات مزبور محو  
 و موقوف گردیده است) از قرار روزنامه انگلیس در امریکا و آسیا و افریقا و کانادا و  
 هندوستان بعضی محالها که در تحت حکومت انگلیس است سببه مخالفت آنجا تاکنون قشون از  
 ولایت انگلیس با آنجا فرستاده میشد در این اوقات در مجلس کلای جدید انگلیس مذکور شده  
 که بعد از این قشون فرستادن از انگلیس را با نولایات موقوف بدانند بلکه مانند هندوستان  
 کانادا و از خود آنولایات مقدار کافی عساکر گرفته بکلی رفتن قشون انگلیس را با نولایات موقوف  
 نمایند (دیگر از قرار روزنامه های سابق و لاحق فرنگستان مابین حکومت چین و دولتین انگلیس و فرانس  
 با مقضای معاهده که این اوقات بسته اند مالی فرنگستان بعد از این بطور آزادی میتواند عمالک چین را گردش  
 و سیاحت بکنند و از جانب دولت چین حسب المعاهده در حق آنها معاودت خواهد شد از اینکه اهل چین  
 صاحب صنایع بدیعه دکارهای غریبه باشند سیاحت در آنولایت مسلم فواید بسیار از برای مالی فرنگستان است  
 چنانچه از مالی لندن چند قشون ازین شخصی سبب شطرنجی بیصد فرانس که تخننسی تو مان پول این  
 باشد خرید و در پاریس که آمده بود بکدام از ازم کرده خواسته بود که مثل آن بدید زنده نمونه از او ببرد  
 همزمان ماهر و صنعت کاران دوفنون برده پاری آنها عجز از ساختن مثل آن کرده بودند فقط یک نفر  
 یکد از آن را بصد و پنجاه فرانس که نصف بهای همه این اسباب بود تعهد کرده بود بدین صورت  
 گذشته از آنکه سبک و صنایع غریبه در چین بهای نازل دست میدهند مراد و سیاحت آنها

۲۷۵۳

فرنگستان بآن ولایت متضمن خواهد گشود و کسب فنون به بعضی جهت انالی فرنگستان خواهد بود  
 بعد از آنکه چند دفعه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند اعلیحضرت امیرالمؤمنین و سید کجانب فرنگستان  
 غنیمت فرموده بودند و جهت اجرای تعلیم بزرگ و در شهر و ارشاد و بعضی از انالی دول دیگر را دعوت کرده  
 بودند از جمله سردار بزرگ دولت استریت با دو نفر با و در حرب و ارکان ضابطان دولت فرنگستان  
 قائم مقام دولت پروسیه و یکی از ضابطان شهر برلین بر حسب دعوت غنیمت شهر و ارشاد  
 و همچنین در اجرای تعلیم فرنگستان پرسش ناپلیان عموزاده اعلیحضرت امیرالمؤمنین و کانت از فرنگستان  
 امیرالمؤمنین با بعضی ارکان ضابطه فرانسه غنیمت شهر و ارشاد کرده اند (نواب پرسش  
 پرسش دوم اعلیحضرت ملک انگلیس در روزنامه های فرنگستان نوشته شده بود که چندی قبل ازین در فنون  
 سحر به تحصیل کرده در این اوقات که امتحان شدند بقانون دولت انگلیس سختی مبتداه با  
 رعایت که سحر کرده در یک کشتی برتبه ده با شکری دویم منصوب شدند باین شرط که ملاحظه  
 شاهزادگی کرده در امر خدمت سفین مانند سایر کشتی سحر به سعی نمایند مدت مدیدی سیاحت  
 در ریاضت نموده و علوم فنون سحر به را بطور شایسته فرا بگیرند در این اوقات بغنیمت مدت پنج سال  
 سیاحت در سواحل هند و چین سمیت برلین پای تخت پروسیه غنیمت کرده اند که در اینجا با خواهر  
 شرط و ادعای بجا آورده روانه مقصد شوند) (دیگر نوشته اند که سیم قلع اف که از دریا کشیده  
 میشود در بعضی جاها خلی در زیر آب با و راه یافته خراب میشود در این باب از جانب اعلیحضرت ملک  
 انگلیس اعلان شده بود که اگر کسی چاره نماید که سیم قلع اف در میان دریا پاره نشود و عیب نکند  
 و حق او انعام و اکرام شایسته خواهد شد در این اوقات یکی از مهندسیان انگلیس تعهد کرده است  
 که از رخ گتان و بعضی اجزای دیگر یک نوع آتشی اختراع نماید که سیم قلع اف را در میان او تعبیه  
 از دریا بکشند که عیب نکند) (دیگر از فرار روزنامه های لندن نوشته اند که جهت کرائی در لندن خیلی  
 اشخاص از برای تسهیل امور محیث و ارزانی نسبت یکی دنیا با نولایت رفته توطن بنیانید از این اشخاص  
 سانی که و چار دیوانگی شده اند در بیمارخانه یکی دنیا زیاده از پانصد نفر محزون بودند دولت  
 از جهت اینکه تعهد کردن این مجانب را کار بهبوده داشتند آنها را نگاهداری کرده و همه آن مجانبان

در دو کشتی شانده از منس تحفه وارمغان طبدن  
 معاودت داده اند

۲۷۵۴

# روزنامه و قایم القایه تاریخ پونج شنبه پنجم شهریور سال یونست

منطبه دارا خلدو طران

مزه چهار صد و شصت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر طرزه شهر

پونج شنبه



## اخبار و احداثیه ممالک محروسه پادشاهی

### دارا خلدو طران

از او قایم که نواب و الا اعضاء السلطه در امورات مدرسه دارالفنون و تربیت و تقویت  
 مستعملین آنجا اهتمام نموده اند ترقی کلی در علوم و تحصیل آنها حاصل شده از آنچه شرح تفکرات سابقاً  
 در روزنامه مرقوم شده بعد از آن بعل نقشه کشتی پرده آختند و مستعملین توپخانه بکوه الوند و البرز  
 رفته و ارتفاع هر یک را مشخص نمودند و معلم توپخانه در این امر مجید و اوفی گرد و شاکر و اس  
 شهر و خارج شهر را موافق قاعده و قانون هندسی کشیدند و نقشه شهر را بوضع شایسته و در  
 ساختند که کل عمارات ارک مبارکه و باغات و بوتهات و کوچههای شهر در محل خود مشخص و  
 میکرو و در آن نقشه را چندین خوب کشیده اند که با نقشه کار فرزانان فرقی ندارد و بواسطه  
 و الا قرار داده اند که آن نقشه را با سینه نمایند که بعد پیدا کند و به کس برسد و چون بعضی  
 مستعملین مدرسه در علم و عمل خود ترقی کرده اند و در تحصیل خود کامل شده اند و قابل آن شدند که  
 از مدرسه خارج شده بخدمت دیگر پردازند بر حسب امر اقدس اعلی حضرت شایسته  
 بلکه چند نفر از اواب و الا الصدیق داده روانه نزد امیر الامراء العظام سپه لار نمودند که هر کدام را  
 بعد در علم و عمل و شایستگی منصب داده مأمور بخدمات دیوانی نمایند و معترف شده که باز از نجیب  
 شاکردان تازه با استعداد مدرسه آورده مشغول تحصیل باشند که دست به بسته و دفتره  
 جمعی کامل شده و منصب برسد و جماعتی دیگر تحصیل نموده بکمال برسند هر یک از شاهزادگان

۲۷۵۵

۱۶

وامر او اعیان که اولاد با استعداد کامل دارند خدمت نواب والا اعتقاد استلظف فرستاده تا  
 نواب معزی الیه فراخور استعداد هر یک در درسم دارالفنون تحصیل امر باز داشته که برخی  
 حاصل نمایند (چون جناب فرخ خان امین الملک نظر بطور کفایتی که در اموریت خود بتقدیم رسانده  
 از روز و زود بدربار جهانمندان بجا یون هر روزه مورد عنایتی تازه و مرحمتی مجید و طیب بود که بعضی از  
 در ذیل این روزها مسطور گردید و از جمله در روز چهارشنبه بیستم اسب از اسبهای خاصه  
 نواب و الاحسام السلطنه در حضور جاپون بزرید افتخار جناب معزی الیه مرحمت گردید) (نظر  
 بطور مرحمت طوکانه در باره مقرب الخاقان دوستیجان معتبر الملک در این اوقات مورد  
 عنایت خدیوانه گردیده بکثوب کلجه از ملاسب خاصین مبارک بافتخار او مرحمت و عنایت فرمود  
 (چون عالیجاه مقرب الخاقان جانمخدر خان حاکم شاهرود و سلطام در نظم امور انولایت و ایت  
 طرق و سوارع و انجام خدمات دیوانی آنها رکفایت ظاهر کرده بود در این اوقات موقوفه فرمان  
 مبنی بر مرحمت خاطر طوکانه در باره او شرف صدور یافته بکثوب جبهه ترمه برسم خلعت برای  
 مشارالیه مرحمت و انقاد گردید) (عالیجاه مقرب انحضرت العلیه سخی خان تهرجم و اجدان خاصه  
 حضور جاپون در خدمات مرجعه بخواه با تمام کامل معمول داشته لهند در این اوقات بگرفته  
 حایل سفید از مرتبه سریشکی بافتخار مشارالیه مرحمت گردید) (عالیجاه مجید اسرار میرزا بزرگ  
 موجب فرمان مهرلعان مبارک به پیشکاری اصفهان سرافراز گردیده و بکثوب جبهه ترمه در ازاد  
 مرزباز صند و قحانه مبارک با خلعت مرحمت گردیده روانه محل اموریت شد) (مقرب الخاقان  
 میرزا مصطفی خان نامور مصلحت گذاری ایجاد شده بود جهت تأخیر در اموریت او این شد که چند  
 فقره و عادی بعه دولت بهیه انگلیس از بعه دولت علییه داشت که در این مدت اقدامی بتبویه آنها  
 نشده بود و نظر بر ایت کفایت و استحضار و دولتیخواهی مشارالیه مخصوصاً از جانب سنی ابجواب  
 علیحضرت امیر شایسته هی خلد التسلک و سلطانه نامور شد که در یکی از عمارات دولتی ارک جاپون  
 هر هفته دوروز حاضر شد با عالیجاه عمده المیحه است صاحب خبر ال قونسول دولت بهیه انگلیس  
 که از جانب دولت خود نامور است مکالمه نماید) (چون مقرب الخاقان میرزا ماشم خان  
 وجهه صریح مبارک در نامحوله بخود آنها رکفایت ظاهر ساخته خصوصاً در متعین تنظیم کتابخانه و سلطانه

۲۷۵۶



مبارک که سحر و ایتها هم معمول داشته است لهذا یکتوب چته ترمه کشیری از طبوسات بدین مبارک  
 در حق تهنیت بامخافان مشا رالیه طعت مرحمت کردید و همچنین یکتوب چته کرمانی نیز بعالیجا  
 میرزا ظاهر سررشته دار کتبخانه و اسلحه خانه مبارک که مرحمت شد سایر ولایات  
**استرآباد**

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالامرا العظام جعفر قلیخان المیخانی بک  
 استرآباد باده هزار جمعیت روی بتیجر قاری قلعه گذارده بعد از آنکه بدو منزلی قاری قلعه  
 رسید طایفه ضاله ترکمانیه از آمدن او با لشکر و توپخانه استحضار بهم رسانده و دستند که تا  
 زیت و خود داری ندارند قاری قلعه را خالی نموده و دست عیال خود را گرفته سواره و پیاده  
 روی بنجوق و محل سکناي ترکمان تکه نهادند از اینطرف المیخانی با سواره و نظام توپخانه  
 وارد قاری قلعه گشته فی الفور جمعیتی متعاقب فرمایان فرستاده تا دو منزل از قاری قلعه  
 با نطرف رفته ولی بفراری طایفه ضاله ترکمانیه نرسیدند بعد سه روز از دوران قلعه  
 و دیوار و باروی آنرا خراب و خندق را از خاک دلوپار و بار و عجزه پر کرده قلعه را با این  
 یکسان نموده مراجعت کردند و اکنون آن سرحدات و راهبهای خراسان که از طایفه ضاله  
 ترکمانیه با نجاه دست اندازی می شدند نهایت اذیت را دارد و زور و قواغل با کمال اطمینان  
 و خاطر جمعی عبور مینمایند ما زنده ران از قراریکه در روزنامه ما زنده ران نوشته اند  
 امور آنولایت از حسن مراقبت نواب والا لطف الله میرزا حکمران ما زنده ران منظم و مضبوط  
 و در این اوقات نواب معزی الیه با اتفاق عالیجا محمد حسن خان پیکار بجهت باز دید قلعه عبات  
 کن در ریاد محل سکناي طایفه عبدالملکی و رسیدگی حالات خود طایفه مرزور با نجاه رفته و پس از  
 نظم امور آن صفحات بیکر کتی امورات و غوررسی ولایت و رعیت بار فرودش و توابع رعیت  
 بار فرودش را نموده اند و از قراریکه نوشته اند در این روزها اجناس گولالت از قبیل  
 و شالی نسبت سابق فی بجهت تشریل نموده و از زان گردیده است در طایفه و بر پایا سوده خاطر

بامور زراعت و رعیتی خود و دعا گوئی و آن قدر

بایون شاهنشاهی اشتغال در

۲۷۵۷

عراق از قراریکه در روزنامه سلطان آباد نوشته اند امور ولایت احسن سلوک و رعایت  
 نواب و الاصله الدوله فیروز میرزا حکمران عراق قرین استقامت و رعایا و براباد و کمال رفاه و  
 امور عیسی خود و عاکونی دانت اندلس تا یون شاهی استعمال دارند و یکی همت نواب معزی  
 مصروف اسودکی حال رعایا و رفع احوال و تعدی از آنها پیش از حد سابقا فواج قاهره که سلطان  
 می آمدند در خرد و توقف آنها بجهت دادن سان و گرفتن مواجب جیره آنها تا و هم چنین جیره قرائی  
 شهر را مباشرین مجال کرازه و شتره حواله میکردند که رعایا با بر کرده سلطان آباد آورده تحویل میدادند  
 اگر چه مخارج آوردن این جنس در سال زیاده از سیصد چهار صد تومان نمی شد ولی رعایا زیاده از  
 هزار تومان مستقر میکردیدند زیرا که خود رعایا و دوستان در وقت زراعت از کار عیسی باز میماندند  
 نواب معزی الیه این تجمل را هم از گردن رعایا برداشته مقرر نمودند که این جنس با بر کرده در کمال  
 مکاری کرایه داده سلطان آباد بیاورند و درین باب دیگر مطلقا مزاحم رعایای مجال غلور نسوند  
 و این معنی سبب مزید شکرانند و عاکونی رعایا گردید و هم چنین عالیجاه غلامعلی خان نایب سر بند عمده  
 نواب معزی الیه نوشته بود که هر ساله معمول بود که از بلوکات این ولایت رعایا گاه و همیشه بجهت  
 مخارج نیابتی میداده اند که درآمد و شد مردم نایب برای گاه و همیشه مطلقا نماید درین سال که نواب  
 و الا الترام گرفته اند از رعایا پرکاشی و جبه و دیناری زیاده از حقوق دیوانی آنها مطالبه نشود در باب  
 این گاه و همیشه باید حکم بدینند که از رعایا بقر معمول هر سال دریافت شود نواب معزی الیه از آدم اجزا  
 شده بودند که پول این گاه و همیشه سالی چند میشد گفته بود تخمینا پنج تومان مقرر و هستند که این مبلغ  
 تا دوام حکومت نواب معزی الیه در عراق همه ساله از جانب خودشان بنایب سر بند تسلیم شود که بر رعایا  
 مزاحمت نرشد و نیز بقر معمولی حکام سابق همه که از کوشان نیز از خلجستان و باغستان جهود و دوز  
 که از بلوکات خلجستان است همه بجهت مخارج حکومتی سرانجام کرده و دو اب عالم رفته بارگیری کرده  
 سلطان آباد می آوردند اما سال عالیجاه سرز حسین نایب خلجستان عریضه نوشته بود که دو اب وقت  
 بقر معمول هر سال همه سرانجام و بارگیری کرده سلطان آباد دبیر نواب معزی الیه جواب داده  
 که این تجملی است بر رعایا که از گاه و سامان و باغات خود همیشه برای ما سرانجام نمایند و قدغن نمودند  
 که همیشه رستان را از سلطان آباد حیدراری کرده رعایای خلجستان را ازین تجمل معاف دارند

۲۷۵۸

### اجبار دول خارج

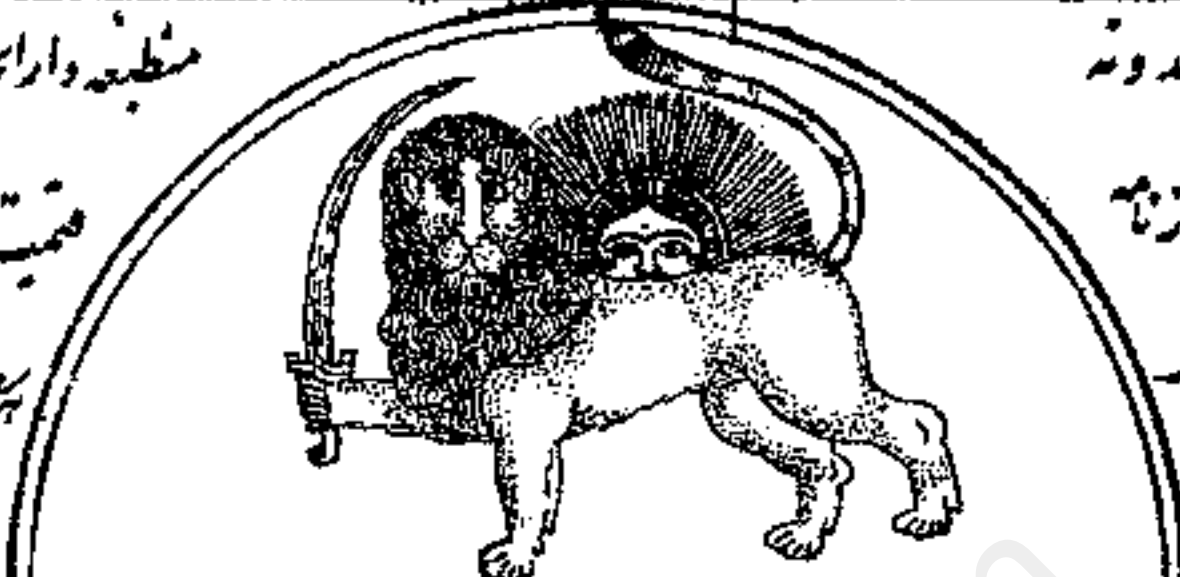
چنانچه چند دفعه در روزنامه های بنیر نوشته شده است قبال دولت پرستیه چون مذکور شده  
 و بعد از آن راه یافته بجهت معالجه چند نفر طلب مخصوص صاحب قبال مزبور گردیده برای مد او ابوالاست  
 المانیارفته اند و نواب دو پرس را که و بعد قبال مزبور بود مدت ماه تقایم مقامی نصیب گردید  
 و مدت مذکور که بسر رسید باز تجدید مدت کردند و تاکنون باین منوال بوده و و بعد مزبور ابوالاست  
 تحت قرائت ممکن شده است در این اوقات بجهت عدم اقدار قبال مزبور در اداره امور یکی یکی از  
 امور دولت دست کشیده و فقط قرار شده است که اسم قرائت با او باشد و با انتخاب اعضا  
 مجلس که تازه قرار داده اند تقایم مقامی بصورت مؤبد و بعد مزبور محول گردید و این صورت تقایم  
 دولت پرستیه موافق آمده است (دیگر از قرار روزنامه های استریتیه نوشته اند دولت استریتیه  
 بجهت مصارف لازمه مبلغی بقرض خواسته بود آن مبلغ را رو شده صرف مشهور لندن تعهد کرده  
 به دو در ضمن استمراض این مبلغ از جانب قومسایتیه رو شده صرف یک نفر لونیه پای تحت استریتیه  
 (دیگر نوشته اند که شهر وینه چون با ویش در خارج بسیار شده خندق و بروج و بند که با  
 آبادی بیرون و درون حایل است بی لزوم کم دیده لهذا قرار دادند آنها را منهدم نموده و عماریات  
 سازند و در خارج شهر مزبور در طرف راست نهر طوبه شش قلعه مجد و بنا نمایند) (از قرار روزنامه  
 انگلیس سیم تعراف که مابین انگلیس و نیکی دنیا از دریا بنگالیا کشیده بودند و یک دو بقیه  
 کار کرد بعد از آن خلل بقوه الکتریکه او روی داده بروج مطلوب مخاربه کرد از جانب حکومت دو  
 مهندس و چند نفر مأمور از جانب قومسایتیه فرستاده اند که تحقیق نمایند چه علت بهم رسانده است  
 تاکنون سبب خرابی این تعراف را ندانسته اند چلیت و تعمیرش نیز قابل امکان نیست و اگر بخواهند  
 سیما که مدبر یا کشیده اند بیرون بیاورند و مساوی خرج باید نمود قطع امید بنگلی از تعراف دریا  
 مزبور نمودن از جانب مهندسین و مأمورین جواب داده شده است) (دیگر نوشته اند اینکه سیم  
 تعراف در فرنگستان در دریا از نسبت و چهار جا کشیده شده است از اینها دو تعراف که یکی از  
 انگلیس به نیکی دنیا و یکی در سبب سیما از وارند تا فرم کشیده اند خراب شده است مابقی سیم و دو  
 دیگر در دریا در کارند و مخاربه نمایند

۲۷۵۹

از قرار روزنامه اسپانیول در سمت غربی حکومت فاس در ساحل دریای قبیلہ یسعی  
 اگر یک کشتی با بنجای بقیه می آیند سبب متاع آن کشتی را غارت کرده اما کشتی را به اسیری می برند  
 و در پیشگاه ساحل مزبور از سواحل که در تحت حکومت اسپانیول است کشتی های اسپانیول هم که آمدند  
 می کنند هر کدام بسبب اختلاف بوی ساحلی که قبله مزبور است بقیه ها بطور غارت می کنند و بقیه  
 آنها درین اوقات از جانب دولت اسپانیول مقدار کافی قشون در چند کشتی جنگی شانه با بنجای  
 (دیگر نوشته اند که در شهر خابورغ که در تحت حکومت جابریه است است کشتی که مخصوص حمل  
 بار و طبعال لازم بود جنسی بار و طبع حمل کرده و بالای آنهم سصد نفر آدم نشسته بودند بقریبی از ریز  
 اش گرفته بالای کشتی را بر هوا کرده و او چهار کتا بد را بر سطح فقط پنجم از آنها تلف شده باقی باطل  
 بیرون آمده اند و کشتی شکسته و غرق گردیده است) (دیگر نوشته اند که شخصی از اهل ملک دو پازانام  
 هم شانه قبل ازین یک قطعه یا قوت زر دو وزن شصت و شصت قیراط با بکلیس و فرانسه آورده  
 سی بیان فرانس که تخمیناً شش کور پول این ولایت باشد قیمت کرده بود و این کوهر در نظر  
 بسیار کراست و بی مانند می آمد و نظیر آن در دنیا تاکنون دیده نشده اعلی حضرت امیر اطراف  
 خریداری این قطعه یا قوت شده بودند ولی بجهت کرائی قیمت خریداری آن لعنه لعون افتاد  
 بود در این اوقات آن شخص بپوشه پایی تحت استریه رفته و در آنجا هر طور بوده است مصنوع بود  
 این یا قوت ظاهر گردیده و مبلغ سی تومان او را قیمت کرده اند) (دیگر نوشته اند که در شهر قلعه  
 که در زیر حکومت مجتمه مسکی دنیاست در این اوقات بجهت پاشیدن آب بجایانی که آتش گرفته باشد  
 شخصی طولیه بنجارا حترام کرده است که چهار عراده دارد و دو اسب می کشد و بقوت آب از چاه کشیده  
 از آنجا بار تقاع هشتاد و پنج ذرع بالای پاشد و اینها هر کدام با ادوات و اسبابش به پنجره باران  
 تمام شده است و بسیار پسندیده و مستحسن افتاده طولیه چی های آنجا از این صنعت بازار انبار  
 میگرد بسیار سی کردند که این طولیه نامتداول نشود ولی بجهت محسنات و منافع کلی آن جمهوری قبول بعثت  
 طولیه چی ها را کرده و این طولیه های تازه را متداول کردند و قرار دادند که از اینها متعدد ساخته  
 (در ایام ناپلیان بزک نشان لژی بود و در آنجا پان اختراع کرده بود در آن ایام نه هزار قطعه از آن در قشون ناپلیانی که  
 در محاربات اثبات جلالت کرده بودند داده بود از اوقات ناپلیان تاکنون بجهت شرف و تشریفات فرانسوی  
 دو هزار قطعه از این نشانها بکسانی که جلالت نموده اند داده است)

۲۷۶۰

# روزنامه وقایع العالیه سیاحتی و غیره در شهر بیروت و اطراف آن

منطقه دارالخلافه طرآن		نمره چهارصد و نه
قیمت اعلامات		قیمت روزنامه
هر شماره		پنجده

## اجبار و احسان مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طرآن

در روز پنجشنبه بیستم سرکار اقدس بایون شاهنشاهی ایدالیه حبیته بلیان افواج قاهره که در خارج دروازه دولت مشق میکردند تشریف فرما شده و تماشای مشق و حرکات افواج را فرمودند و فوج لاریجانی ابوالحجی مقرب الخاقان عباسعلی خان که احضار رکاب بایون شده بودند در همان میدان صف نظامی کشیده بنظر ملاحظه کردند رسیدند چون در کمال استقامتی و جوانان نمایان بودند مورد تحسین و توارشات خسروانی گردیدند (صاحب مضبان فرانس را که جناب فرخ خان ملک مسراه آورده و چند منزل عقب بودند با اتفاق مقرب الخاقان نمایان خان سرسپه دار شدند و بر حسب امر مقرر در بایون در روزی که امیر الامراء العظام سپاه لار در سر افواج قاهره بودند آنها نیز آمده ملاحظه مشق و حرکات توپچیان و افواج را نمودند و بسیار تحسین کردند و پاره خطای نظامی و تعاقبات عمل حرکات که آنها میدیدند حکم شد همه را بنویسند تا بعضی حضور مبارک رسد بر نوع مقرر فرمایند معمول شود) (توپچیان و زنبورچیان و سواره نظام و افواج قاهره طرآن در بایون همه روزه طلوع آفتاب حاضر گشته مشغول مشق شدند و عموم صاحب مضبان کمال مراقبت در تعلیم قواعد نظامیه دارند و امیر الامراء العظام سپاه لار بنفقه دور و پیش آنها سرکشی میکنند و در باب جیره و مواجب نظام امیر الامراء العظام معزی الیه قرار داده اند که جیره را لیکرینس بابک نفر نایب ابجدان باشی باستحضار صاحب مضب فوجی با تفویج برسانند و مواجب در حضور سپاه لار داده شود

۲۷۶۱

و نیز حسب الامر اقدس پادشاه یون مقرر شده است که امیر الامراء العظام سید لاری فوج قاهره را  
 بدقت و با رسم و رسم و محل سکناسان دیده و دسته بندی نماید و احوالی که حاضرین <sup>معتبرین</sup> و  
 مستند هر روز فوج لغوج حاضر کرده جمیع صاحب منصب و اجداد و افراد سواران و سوارستان و مکان  
 و خدمت معتین نموده دسته بندی می کنند که جوانان همه دستجات یکتد و خوب باشند <sup>معتبرین</sup>  
 می کنند که بعد ازین ابدالعینه و تبدیل شود و کتابچه کتلی نوشته میشود که در حضور پادشاه <sup>معتبرین</sup>  
 (از قرار عهدنامه فیما بین دولتین علیستین ایران و عثمانی مقرر است که از مال التجاره جانبین در  
 خاک مملکتین یکصد و چهارمگر ک گرفته شود و اگر چه اولیای دولت علیه در اجرائی مدلول عهدنامه  
 نام و زیاده چو کونای نگرده علاوه بر یکصد و چهار از تبعه آن دولت وقتی از اوقات در خاک  
 دولت علیه ایران دریافت گشته است لکن کما شکران دولت عثمانی از چند سال تا کنون مال <sup>التجاره</sup>  
 تبعه دولت علیه را در ممالک عثمانی برخلاف مدلول عهدنامه برد و قسم کی متاع خارجه و دیگر متاع  
 و اخذ منتقم کرده از متاع محصوله مملکت خود صد و دوازده مگر می گرفته درین چند سال اولیای  
 دولت علیه هر چه کوشیدند که این معامله خارج از لرض عهدنامه را بابتبعه این دولت موقوف دارند  
 در این اواخر که جناب محقرت بخاقان فرخ خان امین الملک سمت ایچی کبری وارد اسلامبول شده است  
 با اولیای دولت عثمانی موافق نوشته رسمی اجبار در این باب گفتگو نمود و ایشان را بر اجرائی مضمون  
 عهدنامه تکلف کرد چون مادام توقف جناب رالیه در اسلامبول قرار قطعی درین باب از جانب عثمانی  
 بوده نشد بموجب نوشته رساله آخری ایشان اظلام کرد که ازین تاریخ تا مدت یکماه اگر از جانب  
 دولت عثمانی اقدام باجرائی فقره مزبوره نشود اولیای دولت علیه ایران حقا معامله متعابله را در ممالک  
 خود نسبت به تبعه عثمانی اجرائی خواهند کرد و از تبعه آن دولت که متاع محصوله ایران را خریداری و محل تجار  
 نمایند صد و دوازده مگر دریافت خواهند نمود و تا این تاریخ که یکشنبه ۲۲ شهریور سال ۱۲۸۱ بمکه  
 هم از مودع معترزی جناب رالیه منقضی شد از جانب اولیای دولت عثمانی قراری درین باب ظاهر  
 نگشته لهذا بعد از اتمام جمیع جهتها و عمل آوردن کل شرایط و سستی و یک جهتی حسب الامر اقدس <sup>علی</sup>  
 احکام عهدنامه حکام ممالک محروسه دولت علیه ایران صادر شد که بمباشرتین مگر کما بنا قد عن نمایند از  
 محصوله دولت علیه ایران که در دست تبعه دولت عثمانی باشد ازین تاریخ به بعد صد و دوازده مگر

۲۷۶۲

دریافته کرده معامله پیش نمائید و این قرار داد را منحصراً با متعه محصول ایران دانند و اگر از متاع خارج  
برسد و چهار دیناری بکیر نمود و مواضع خوابید شد (چون عالیجاه و محبت و نبالت مسرور است)  
مکرم خان سده نیک آنا ماژوری مترجم مخصوص دولت علیه و اجدان اعلیحضرت شاهنشاهی در خدمت  
مقرره آثار مراقبت صدقت و کفایت را ظاهر ساخته تا حدی که در مأموریت اسلامبول با تفاق مقربان  
حاجی میرزا احمد خان وزیر معین دولت عثمانیه در خدمت محترم که علایم سعی و مواظبت و درایت را بطور  
آورده بعد از آنهم که منصب شتاری در سفارت جناب این الملک به او روپا ناموشید از حسن خدمت  
و طرز مراقبت خود اولیای دولت علیه را راضی و خوشنود کردیم هم فطانت و فراست و خدمتگزار  
عالیجاه مشارالیه باعث شمول مراحم و الطافت طوکانه در حق او گشته موافق فرمان هایون با عطف  
منصب برتشی پشان شیر و خورشید از درجه اول برتشی با همایلی سرخ مخصوص آن قرین مبارک است  
( در روزنامه هفتگه گذشته نوشته شده بود که عالیجاه میرزا بزرگ کرمانشاهی به پیشکامری  
اصفهان مأمور و یکشوب جنبه ترمز با و صلحت مرحمت کردید از روی عدم بلدتیت بوده عالیجاه  
مشارالیه از قرار فرمان هایون بیاشتری مأمور گردیده و یکشوب جنبه کرمانی برای مرید  
او مرحمت شده بود سایر ولایات ) ( کردستان از قرار یک  
در روزنامه کردستان نوشته اند امور انولایت قرین انتظام است و مقررت انخاقان والی  
در نظم و هدایت و انجام مهمات دیوانی اتهام کامل وارد و عالیجاه عبد الرزاق بیکی و که از دربار  
هایون مأمور بدینسان و دادن مواجب فوج کردستان و حرکت دادن آنها بدینانحلاف  
بود و اردانجا گردید و فوج مزبور را جمع آوری کرده و سان دیده مقررت انخاقان والی  
خود رسیدگی کرده و مواجب آنها را دسته بدسته در حضور عالیجاه مشارالیه میرسان  
و بالفعل در کمال ار استکی هر روزه در میدان مشق حاضر شده مشغول مشق هستند و باقی مواجب  
انها هم هر دسته پس از دسته دیگر پرداخته میشود که پس از اتمام مواجب روانه دربار هایون  
کردستان از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند امور انولایت از مراقبت نواب والا  
حسام سلطه والی ملکت کردستان قرین انتظام است و فراوانی و ایزدانی در انولایت  
حاصل است و یکی همت نواب معزی الیه مصروف اعانت سرحدات انولایت و آسودگی رعایا

۲۷۶۳



مصرف دارند و بهر جانی که احتمال دست اندازی از طایفه ضاله ترکان است سواره مأمور نمود و اند  
از قرار یک در روز تا مراض آتس نوشتند عالیجاه میر حسنعلی خان صارم الملک که حسب حکم  
نواب و الاسام سلطه والی مملکت خراسان سواره کنده بی و قراقوه و میانی و عنایت آباد  
الواجب اوشده بنظم و محارست آن سرحدات مأمور بود در این اوقات از قراولانی که برابها  
و ستاده خبر مزارالیه رسید که سواره ترکان چل میاوبی را تاخته و وارده هزار کوسفند و  
بیت نفر سیرش کرده و برده اند عالیجاه مزارالیه با همان هزار سواره تیموری و سواره بوج  
خود که متباد شده است فوراً بقاوت ترکانان پرداخته و در عرض یک شب بیت و پنج فرسخ راه را  
غوثان کرده و بتجلی رانده بودند که ده ریس اسب در راه ترکیده بودند تا در کول ملک آباد بس وقت  
این طایفه ضاله رسیده و حمله با آنها آورده بقدر بیت نفر سروریده از آنها بدست آورده و بی  
اسب گرفته باقی کوسفند اسیر را بجا که اشته فراری شده بودند و عالیجاه مزارالیه چون سواره  
سرا به بنو و مقصود اسخلاص اسرا و استرداد کوسفندان بود بجل آمد دیگر صرف در تعاقب آنها  
از انجام احبت کرده اسرا و اتمام را با ما کن خود رسانده و سر و سر ترکان را بجز نواب والا  
حسام سلطه آورده در از این خدمت خود و سواره او مورد القات نواب معزی الیه شد  
(عالیجاه جواد خان سر کرده سواره شقایق که با سواره الواجب جمع خود از دربار تالیون مأمور شد  
خراسان شده بود و اراض آتس کردیده و بجز نواب حسام السلطه رفه القات در حق او  
نمودند و مقرر داشتند که سواره او را سان دیده و جیره و علق آنها را از قرار دستور العین  
داده ببت اسف این برود و مشول حراست آن سرحدات) (دیگر نوشته اند که فرمان مهر لعلان  
که در باب موقوف بودن ترکان و رفع بعضی عوارض و تعذبات از رعایا از مصدر سلطه عظمی شرف  
صدور یافته بود بارض آتس بر تو وصول کند نواب حسام السلطه در مسجد جامع کسیر در وقتی که عموم عالی  
اعیان حاضر بودند فرمان مبارک را دادند خطیب بالای منبر خوانده مضمون معذرت نمون از آنکه سر  
خاص دعام کرده بکی صد اشکرانه و دعا کونی وجود فایض ایچود بهایون شاهشاهی خلد الله ملکه و  
بلند کردند و نواب معزی الیه فرمان تالیون را سواد کرده با ارتقام خود بهر یک از ولایات متعلقه خراسان  
روان نمودند که تمامی رعایا و حکام از مذلول حکم قضا مشمول محرم باشند

۲۷۶۲

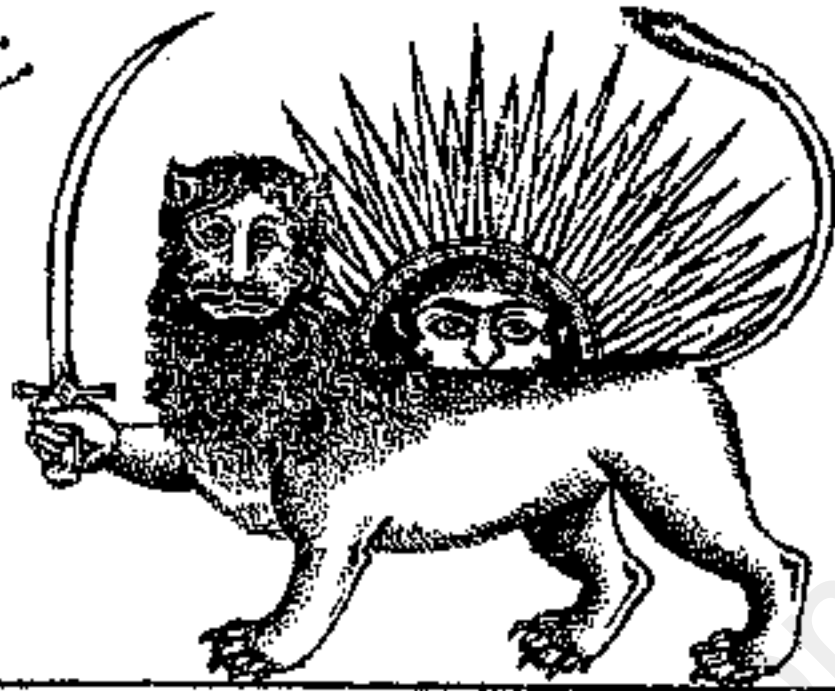
## اخبار دول خارجی

از قرار روزنامه‌های فرنگستان بکشتی تازه در این اوقات اختراع کرده اند از آهن لغت بگو  
 جمیع اسبابش از آهن و زیرش هموار است در آشنای محاربه به کشتی بخورد شکست و غرق میکند  
 بجهت سنگین کشتیها پیش رویش حربه نیزه مانند از آهن ساخته اند و دیرک و اسبابش در وقت  
 ضرورت سهولت بالا و پائین می آید و یک دیکه بخار پر قوت در او وضع کرده نامش را قوچ و یا  
 گذاشته اند از اینها یک قطعه در انگلیس و یک قطعه در فرانسه با تمام رسیده است (از همین  
 کشتیهای بخاری شخصی و نیز نام یکی دینیائی کشتی بخاری سریع اسیر لغت کرده است بسیار که  
 ساعتی بیست و پنج میل مسافت در باراطی نماید و از انگلیس تا یکی دنیا که دو هزار و شصت  
 میل مسافت است مشش روز این مسافت بعید و راطی نماید از جانب جمهوری سینیکی دنیا  
 خیلی اکرام و اعانت باین شخص وعده شده است که اگر این کار را با تمام برساند باو بدهند)  
 از مهندسان فرانسه یک مهندسی چند وقت پیش این یک توپشس خوان اختراع کرده بود  
 بعد از آن اعلیحضرت امپراطور فرانت همت بزیاد کردن این توپها گذاشتند اگر چه این توپها  
 خشکی سهولت استعمال نمی شود و لکن در دریا محسنات فوق العاده آن ملاحظه شده بعد از  
 توپهایی که از برای قوه سحر تیه فرانت ریخته میشود از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانت حکم شده  
 که کلاشس خوان ریخته شود (دیگر نوشته اند که از دوی دولت فرانسه بعد از این در بعضی  
 محال مناسب انولایت از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانت منظور و مقرر شده است که مستعد  
 و بجهت آنها نصب خایم کرده رسیدگی و تعلیمات آنها اجرا شود در این اوقات در محل شالون نام  
 که در دوازده فرسخی پاریس است یک اردو ترتیب داده اند و برای رسیدگی و تعلیمات  
 و تماشای آنها در اوایل ماه ربیع الاول اعلیحضرت امپراطور فرانت از پاریس با تاجا حرکت  
 فرموده اند) در روزنامه‌های سابق نوشته بودند که اعلیحضرت امپراطور روس قرار داده بودند که از  
 قشون تحت جنتمبار خود در استان در شهر وارش و اردوئی مرکب از صد هزار کس ترتیب داد  
 بر رسیدگی و تعلیمات آنها اقدام نمایند موجب روزنامه که بعد رسید اعلیحضرت امپراطور روس  
 زادگان اعلیحضرت امپراطورین فرانسه و تریه و قائم مقام دولت پروستیه و سایر اربابان ارکان

حربیه دول دیگر که از جانب اعلیحضرت امیراطور روس دعوت شده بودند در شهر وارشاه  
 حضور بهم رسانیده در بیت و ششم ماه ابول گذشته فقط باسی هزار کس از عساکر روسیه  
 اجرائی تعلیمات لعل آورده اند و بعد از آن چند روز هم اجرائی شلیکهای سنگین نموده اند و نیز در  
 روسیه تبه شده اند که اعلیحضرت امیراطور روس در وقت فرمتشان ملاحظه اردوی وارشاه  
 بهر یک از شهرهای تحت حکومت خود که گذشته اند امالی آن شهرها لوازم استقبال و احترام را  
 لعل آورده اند و اعلیحضرت امیراطور بزبان عاطفت و ملاحظت و دلجوئی لطف رسی تقریر فرموده اند  
 که تاکنون بعضی تعقیبات که نسبت بر عایای این دولت وقوع می یافت بعد از این از میان برداشته  
 میشود و نظایات قویه مؤثره اختراع میگردد و بجهت تسهیل معاملات امالی و رعایا راههای آبر ساخته  
 خواهد شد و در راه سترحت و سایش عموم امالی و رعایا جنبلی چیزها ساخته خواهد شد و بجهت ابلاغ این  
 اعلان نامه مخصوص با امالی مالک روس منتشر خواهد نمود از اینکه رعایای دولت روس  
 دولت کانه در سخت اسارت بودند ازین مکالمات عطاقت امیر اعلیحضرت امیراطور که متضمن عدل  
 انصاف و آزادی رعایای الله دولت است زیاده الها رشادمانی و شکرگذاری کرده اند (از قرار  
 روزنامه های فرانسه درین سال در قطعه فرنگستان خصوصاً در فرانسه حاصل انکورسپار خولت  
 و زیاد شدن حاصل انکورسپار از تاثیر ستاره و ناله باری که دو ماه قبل طلوع کرده بود میداند  
 چهل و هفت سال قبل ازین نیز یک ستاره دنباله دار طلوع کرده بود و در آن ایام حاصل انکور  
 زیاد شده بود لهذا امسال هم زیاد شدن حاصل انکور را از محسنات تاثیر این ستاره میدانند  
 (در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول از وقایعات ایران نوشته اند که میرزا آقاخان صدر  
 اعظم سابق ایران که بعضی سببها از منصب خج و انفصال یافته بعد از آن محاکمات لازم آمده که  
 درسد کی شده است زیاده از حد هزار کیسه وجه نقد که عبارت از دو کرو پول ایران باشد اخذ  
 رشوت و سرقت معلوم گردیده تحصیل مبالغ مرقوم و نفی و اهلای او در پیرایش محل دیگر فرشته  
 (از قرار روزنامه استریتیه وقت استبدال عساکر استریتیه نزدیک شده از اینکه از محسن  
 گرفتن آنها دولت استریتیه صرف نظر نموده است کویا تقلیل عساکر استریتیه منظور آن  
 دولت بوده باشد

روزنامه و قلیح اتقا قیام پنج یوم چه نیم چهار دی اولی مطابق سال یونیت

منطقه دارانکلا و طران  
قیمت اعلی  
هر سطر شده



نمونه چهارصد و ده  
قیمت روزنامه  
هر نسخه شش

اخبار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

دارانکلا و طران

چون نظام امور مملکت آذربایجان که از اتم کارهای دولتی است بر محل توجه و وجهت طوکاره شاهنشاهی  
ملک و سلطان پیشا و بر حسب اراده علیه کارهای دولتی و قسطنی و مملکتی در سرحدیه آن مملکت باید از هر چه در می  
گردد که مزیدی بر آن مقصود نباشد و چنانکه کمون خاطر خطیر عایون است سایش کلی برای عموم انانی  
جمله کرده و در برای اجرای این مقصود از شاهزادگان عظام تعیین کی لازم بود که در انصاف و عدالت و حیا  
دین و دولت و کفایت امور رعایت جمهور مقبول حضرت عایون و معتقد دولت روز افزون باشد و  
والا شاهزاده برام میرزا که حاوی و جامع جمیع این مراتب بود با قضای رای جهان آرا و صرفت  
طبیع مبارک پادشاهی صان اعدایام شوکت عن لبتشاهی از دیوان خلافت مغزالدوله لقب یافته بایات  
و صاحب خستاری آن مملکت سرافراز و مأمور و با عطای بکثوب جبهه ترمه لوکک دور مفتخر گشته و حسب الا  
احسن اعلی مفتخر شد که از دربار عایون در حصی حاصل کرده روایه مقصد شوند و نظر باینکه صاحب مضمان  
مزرک نظام و قسطن نظامی آذربایجان از جمیع مالک محروسه زیاد تراست و لازم بود که حاکم و حیا  
انجاشان و منصب لفظی داشته باشد که بتواند از صاحب مضمان و احاد و افراد قسطن اگر کسی بکس  
خلاف نظام شود تنبیه نماید لکن اوقات مغزی البیدر با عطای یک قطعه نشان کلان با لاس از مرتبه امیر  
و یکرشته عاییل سبر و سرج که مستحق بان منصب است مفتخر و سرافراز نمودند (امیر الامرا و عظام)

۲۷۶۷

سر و ارکل نظر باینکه از خدمتگذاران قدیم این دولت قویم بود و سقوط او از درجه که داشت معلوم شد  
 بجز خاندان و بجاچ پیشکارسابق و جی نداشت و اعلیحضرت شاهنشاهی نصرانیست و ایدامه عیشت از  
 خدمات صادقانه و دولتی او و تقوا بهیهای او قطع نظر فرموده بودند لهذا بتبارج بیت و سیم شهر سیم  
 معزتی الیه را مورد رحمت و قبول قاطع حسنه و از فرموده باعطای آن مقام و اعتبار و احترام توکل  
 سابق و حمایل و نشان و خطاباتی که از دیوان اقدس عالیون داشت سر او از فرمودند و چون بیست  
 کلیه و نظم امور مملکت آذربایجان عمده ترین خدمات دولتی بود و بیست لعمده یکی محمول کرده که در همه  
 مقامات و جمیع مراتب در حضرت پادشاهی محقق و ثوق و اعتماد باشد لهذا امیر الامراء العظام مشارالیه  
 مأمور بکفالت این مهم خطیر فرموده رسیدگی و مراقبت در حق و وفق کلی امور مملکتی و دولتی و قسطنطنیه آن مملکت  
 در خدمت نواب و الامراء الدوله صاحب اجتناب مملکت آذربایجان لعمده معزتی الیه محمول فرموده  
 و بعلاوه حمایل و نشان و شرف باعطای یکثوب جبهه ترمه مخصوص نیز از ملوس بدن مبارک قرین مبارک  
 و مزید اعتبار فرمودند (چون برای پیشکاری محاسبات و معاملات آذربایجان یکی از نوکران  
 معتبر و صادق و امین دولت قاهره لازم بود مأمور کرده و لهذا امرت انخافان میرزا ابوالقاسم مستوفی  
 که بااست و راست قلبی او اعلیحضرت شاهنشاهی و ثوق تمام داشتند باعطای لقب جلیل حسین الملکی  
 سر او از مأمور این خدمت جلیل فرموده باعطای یکثوب جبهه ترمه کشمیری مفتخر و مخلص داشتند) (چون  
 مراتب کفایت و کاروانی عالیجاه مقرب انخافان میرزا عباس خان نایب الوزاره امور  
 دول خارج در پیشگاه حضور عالیون معلوم و مشهور بود برای مالک آرای مبارک بارتقا و درجه  
 و ارتقا مضمب و مرتبه او قرار گرفته محض ظهور رحمت و عنایت موافق فرمان عالیون بمضت  
 اول و لقب معاون وزارت امور خارج سر او از باعطای یکثوب جبهه ترمه کشمیری قرین افتخار  
 حسب الامر بصدی همایم خارج آذربایجان مأمور شد که مستقلاً موجب دستور العمل اولیای دولت  
 بهیام خارج آنجا رسیدگی نماید) (چون امیر الامراء العظام مقرب انخافان عیسی خان والی حاکم صومالی  
 در انتظام امور ولایتی و تنفیذ احکام دولتی و وصول و ایصال ایلیات و رسانیدن وجه مساعی  
 مسکوره ظاهر کرده لوازم نقالت و ولایت داری را بعلی آورده بود خدمات او در خاکهای  
 عالیون مقبول و مستحسن افتاده باعطای لقب تمیز اعتماد الدوله سر او از گردید و فرمان عالیون شرف

صد و ریافته مواری بکثرت خجسته ترجه اعلیٰ اسم جنت کردند (نظر بحسن اتمامات و مراقبت امور العظام  
 عباسعلی خان محتشدالدوله که در نظم امور دیوانخانه مبارکه و رسیدگی بعبایض و مطالب عامه مردم  
 حق مظلومین و ملهوفین لعل آورده مراتب خدمت و صدقتش مشهور است و رای جهان را رای ملوکانه اند  
 ملاحظه برودت هوا که خواسته علاوه بر ستمها روگری که بر احم قلمی ملوکانه دارد و دست گری ظالمی  
 هم داشته باشد لهذا مواری بکثرت خجسته کشیری دوز استرسخای باو جنت فرموده  
 که مستظهر بر جسم ملوکانه بوده پیش از پیش در انجام خدمات موجود اتمام نماید) (چون عالیجا  
 مقترب بحضرة العلیه میرزا عبدالرحیم خان نایب اول سفارت سلامت بمبول و رعایت اقامت  
 خود در سلامت بمبول اهلیای دولت علیه را از حسن خدمات خود راضی ساخته در این اوقات که  
 بدار اختلاف و الباهره آمده شرفیاب حضور در ظهور اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه کوهچین جنت خاص  
 در باره عالیجاه مشارالیه بکط و شال کشیری برسم خلعت خجسته افتخار او جنت کردید

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند امور ولایت احسن مراقبت و مواظبت  
 امیرالامراء العظام اعتمادالدوله عبیدی خان والی حکمران اصفهان در کمال انظام است و امور شهر  
 و محلات بطوری منظم است که ابد اثری از الاط و امثرا نیست و بچکس مصدر هرزگی یا خلاف  
 حد نمیتواند بشود و خود معزی الیه هر روزه بوقت سحرانی و کلی امور ولایتی و عرض و داد مردم  
 رسیدگی می نماید و در انجام جهات دیوانی نهایت دقت را بعمل می آورد و در عیای و انالی بکلی از  
 امنیت راضی و شاکر و بدعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه  
 دارند) (روح هدانی ابوالجیبی عالیجاه امان الله خان سرمنک قراکور که مأمور با خلوی اصفهان  
 بود و وارد آنجا گردیده هر روزه در میدان مشق حاضر شده مشغول مشق میباشد و با کمال نظم و  
 قزاولی قزاول خانها و انجام خدمات موجود اقدام دارند و جیره و مواجب آنها از قرار دستور العظمی  
 و کتایبچه بانها میرسد و عالیجاه مشارالیه زیاده مراقبت نظم آنهاست که بهیچوجه خلافی از آنها  
 ناشی نشود) (دیگر نوشته اند که چون منسبط و نسق و ملاحظه تخم کاری زراعت بلوک اصفهان و  
 واری آنها کار عمده است خصوصاً فالصحات دیوانی درین سال امیرالامراء العظام معزی الیه مخصوصاً

۲۷۶۹

هر بلوکی یک نفر آدم این صاحب سرشته روانه نمود که مراقب این امر باشد که رعایا با اجمال یا حقیقت  
 در امر زراعت ننگند و زراعت را کاملاً مراقب باشند و نسق درست بگیرند و نامتومی در تخم کار  
 نداشته باشند فارس از قراریکه در روزنامه شیراز نوشته اند مقرب انخافان  
 محمد ابراهیم خان سهام الملک که با افواج ثلثه مأمور فارس بود در ۲۹ ماه ربیع الاول وارد  
 شیراز گردیده و نواب و الامویة الدوله سیرکشی اخراج منوره آمده و آنها را ملاحظه نمودند چون  
 کمال استکی داشتند مقرب انخافان مشارالیه مورد تحسین گردیده و نواب معسری المیکوه  
 کلچ از طبوسات خود با و دادند و عالیجاه ابوالقاسم خان سرننگ را با یک فوج مأمور  
 به بیان نمودند و مقرب انخافان مشارالیه در بیرون دروازه حادر رزده و افواج او در کمال نظم  
 و قاعده میباشند و بهیچ وجه خلاف قاعده از آنها سر نمیزند و از هر فوجی مخصوصاً ده نفر وکیل  
 مأمور کرده است که در شهر گردش نمایند اگر از سر بازی خلاصی نماند حسابی نماند او را که قضا  
 که مورد تمسبه بودی (دیگر نوشته اند عالیجاه میرزا مهدی پیشخدمت خاصه که از دربار عالیجاه  
 مأمور وصول و ایصال قسط مالیات فارس بود کمال اهتمام را در انجام ضایات مرجوعه سنج و در  
 همه دوزخ و در کار وصول و ایصال و جمع قسط در روانه کردن آن در بار عالیجاه (قرین  
 از قراریکه در روزنامه قرین نوشته اند عالیجاه ولی بیک پنجاه باشی که مأمور نظم ایلات و قرا  
 سورانهای شوارع است وارد قرین گشته مقرب انخافان حاجی حسنعلیخان پیکار و تقویت  
 او نهایت مراقبت را بعمل آورده آنچه امور ایلات است با و اگذار نموده است که رسیدگی نماید  
 و طرق و شوارع نیز عالیجاه از آمدن مشارالیه تفاوت کتبی کرده و نهایت اهتمام در نظم و اطمینان راهها  
 دارد که متر و دین بفرغت آید و رفت نمایند و این معنی باعث مزید عا کوفی عابرین گردیده است  
 (در عالیجاهی شال که بدین مبدلت مدار بعضی آمده بودند بعد از رسیدن اولیای دولت علیه سنجاقی عالیجاه  
 خلاف آنها معلوم حکم شده بود که تمامی آنها را آورده است پیکار بسیارند غلامان پادشاهی آنها را آور  
 پس از سؤال و جواب که در حضور عالی و اعیان ولایت با آنها نموده و خود معترف بقصص خود شده مقرب انخافان  
 کمال مهربانی و استقامت با آنها داده و روانه اوطان خود نمود و محصل این بود که تقریباً آنها را جمع آوری نمایند  
 نتوانند با سودکی مشغول عیشتی و ادای مال دیوان بشوند چون معلوم کردید که غذای آنها با آنها قارچ خوب کرده است  
 او را مغزول یک نفر دیگر که خود و عبا می فرود می آید بکفالتی آنها برقرار نمود

۲۷۷۰



### اخبار دول خارج

از قرار روزنامه بلجیقا بقانون آن دولت از امانی بچند کوریا با ناما هر کس در دولت یافت صیغتی  
 با فایده ایجاد و اختراع نماید از اطراف تجسینی نماید در صورتیکه صنعت او قابل تحسین و پیش  
 شایع عام باشد از جانب خزان بلجیقا با و الطاف و اکرام بعمل آمده است تا نام او داده میشود در این  
 اوقات از اصحاب سکنه صنایع جدید و جنسی ذکور و اناث را اجازت نامه داده اند و بجهت شایسته  
 چند روز شکیما اجرا نموده اند (بقراریکه در روزنامه های سابق نیز نوشته شده است در هر  
 از اغلب نباتات شکر حاصل می کنند و زیادتر از همه از سبزی آلات بعمل می آید در فرانسه در سال  
 گذشته دولت و نوک کارخانه و تا سال بسصد و پنجاه کارخانه رسانده اند و در اتمام این  
 کارخانه های فقط از سبزی آلات پنج کرور و سصد هزار قطا رشک در وقت تمام عمل آورده  
 (بقراریکه معلوم است معنی از بیان است مملکت انگلیس بابت از یک جزیره بزرگ میباشد که نصف آن در  
 طرف جنوب نفس انگلیس است و پیش روی آن مملکت اسقویاست در سواحل روبروی ممالک فرانسه  
 از جانب دولت انگلیس در آنجا استحكامات زیاد داده شده است در این اوقات در سواحل  
 اسقویا نیز از جانب دولت انگلیس مقرر شده است که مانند استحكاماتی که در سواحل روبروی آن  
 داده اند باشند) (از قرار روزنامه های فرانکستان چنانچه در فریب اتفاق می افتد در انگلیس نیز  
 بعضی اشخاص که بنا خوشی سوداگر قرار می شوند و در بعضی ممالکت درمی آورند و حساب کرده اند  
 در مدت پنج سال در انگلیس هزار و چهار صد نفر ازین علت خود را به ممالکت رسانده اند و در این  
 به نسبت زیادتر ازین تلفات وقوع یافته حتی چند وقت قبل ازین در انگلیس یک نفر قاتل از جانب مملکت  
 دستگیر شده و در ستمنطق احوال او سه نفر ازین اشخاص که بسوادی دماغ گرفتار بودند بجانب ممالک  
 آمده اقرار کرده بودند که مقول را ماکتیم و ما را باید قصاص کنید و این علت در شهر لغون بیشتر از  
 جاهای دیگر وقوع یافته است چنانکه دو سال قبل ازین شخصی در شهر نوربورتجا شاهانه رفته بود چون  
 خودش جرئت اقدام به ممالکت خود کرده بود و خواسته بود کاری بکند که دیگران او را بکشند و خرمی بچند  
 ساله را که عیال بزرگی بود و تازه بسوهر رفته بود در الوقت نزدیک باو نشت بود تا گاه با کار خود  
 ممالک نمود) (از قرار روزنامه های روسیه در قطعه فرانکستان و سایر ممالک دیگر جنسی معالجات